

A Comparative Study of the Conceptual Metaphors the Domain of Fear in Afghani And Ishiguro Works, Based On Lakoff and Johnsons Viewpoint

Sanaz Taghipouri Hajebi*, **Kamran Pashaie Fakhri****

Parvaneh Adelzadeh***

Abstract

Fear is one of the emotions that human beings have experienced throughout history. Conceptual metaphor is one of the ways in which the differences and similarities of culture obtained in statement and how. This article, examines and compares this metaphor in the work of Afghani and Ishiguro, with method descriptive_ analytical that is 54 case Fear conceptual metaphors in works of two author (26 case of Afghani and 28 case in Ishiguro works) that the fields of origin, mapping names and types of metaphors were examined. The findings show that there are many similarities between the two authors in the type of conceptual metaphors, but there are also differences. Similarities were found in the origins of Living foundation , color of foundation, sea, hostility, stagnation and inactivity, cold, death and matter And the differences are relevant to source domains fire, disease, weapons and gambling that were found only in the Afghani works. instead the source domain of the plant found only in the Ishiguro works. But the use of a variety of metaphor has

* Phd Graduated, Farsi language and literature group, Tabriz unit, Islamic Azad University, Tabriz, Iran,
Sanaz.taghipour56@gmail.com

** Associate Professor of farsi language, Tabriz unit, Islamic Azad university, Tabriz, Iran, (Corresponding
Author), Pashaiekamran@yahoo.com

*** Associate Professor of Farsi language and literature, Tabriz unit, Islamic Azad University, Tabriz, Iran,
Adelzadehparvaneh@yahoo.com

Date received: 2021/12/13, Date of acceptance: 2022/5/27



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

Confirmed the existence of similarity. The ontological metaphor is in the Afghani works with 14 case and 25/92 percent and in the Ishiguro works with 12 case and 22/22 percent. In the structural metaphor, the mapping names in the Afghani works with 12 case and 22/22 percent and in the Ishiguro works with 16 case and 29/62 percent. This slight difference also confirm the influence of culture and environment on the construction of fear metaphors.

Keywords: conceptual metaphor, fear, source domain, Ali mohammad Afghani, Kazuo Ishiguro

بررسی تطبیقی استعاره مفهومی «ترس» در آثار افغانی و ایشی گورو با تکیه بر دیدگاه لیکاف و جانسون

ساناز تقی پور حاجبی*

کامران پشایی فخری**، پروانه عادل زاده***

چکیده

ترس از عواطفی است که بشر در طول تاریخ همواره تجربه کرده است. استعاره مفهومی یکی از راه‌هایی است که به واسطه آن تفاوت و شباهت فرهنگ‌ها در اظهار و چگونگی آن به دست می‌آید. این مقاله به بررسی و مقایسه استعاره مفهومی ترس در آثار علی محمد افغانی و ایشی گورو به روش توصیفی-تحلیلی می‌پردازد که شامل ۵۴ نمونه استعاره مفهومی (۲۶ مورد در آثار افغانی و ۲۸ مورد در آثار ایشی گورو) می‌باشد که حوزه‌های مبدأ، اسم‌نگاشت و انواع استعاره در آن‌ها بررسی گشت. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین این دو نویسنده شباهت بسیاری در نوع استعاره‌های مفهومی دیده می‌شود اما تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. شباهت در مبدأهای جانداربنیاد، رنگ بنیاد، دریا، دشمن، رکود و بی‌حرکتی، سرما، مرگ و ماده درون ظرف است و تفاوت‌ها مربوط به مبدأهای آتش، بیماری، سلاح، قمار است که فقط در آثار افغانی یافت شد و در مقابل، مبدأ گیاه نیز فقط در آثار ایشی گورو مشاهده گردید. اما کاربرد انواع استعاره وجود شباهت را تأیید کرده است. استعاره هستی‌شناختی در آثار افغانی با ۱۴ مورد و

* فارغ التحصیل دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی،

تبریز، ایران. Sanaz.taghipour56@gmail.com

** دانشجویار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)،

Pashaiekamran@yahoo.com

*** دانشجویار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران

Adelzadehparvaneh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۶



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

در صد ۲۵/۹۲ و در آثار ایشی گورو با تعداد ۱۲ مورد و ۲۲/۲۲ در صد آمده است. در استعاره ساختاری، اسم‌نگاشت‌های افغانی با تعداد ۱۲ مورد و با درصد ۲۲/۲۲ و در آثار ایشی گورو با تعداد ۱۶ مورد و درصد ۲۹/۶۲ آمده است. تفاوت‌های اندک مؤید تأثیر فرهنگ و محیط در ساخت استعاره‌های «ترس» است.

کلیدواژه‌ها: استعاره مفهومی، ترس، حوزه‌مبدأ، علی محمدافغانی، کازوئو ایشی گورو

۱. مقدمه

زبان‌شناسی شناختی، رویکردی نوین به مطالعه زبان است که در آن تحلیل مبانی مفهوم‌سازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برخلاف روش‌های قبلی که زبان را از توانایی‌های شناختی جدا می‌دانستند، زبان‌شناسی شناختی، زبان را در تعامل با تفکر و ادراک می‌داند. یکی از راه‌های ابزاری بودن زبان در انتقال اندیشه که بر پیوند میان زبان و تفکر تأکید دارد؛ استعاره مفهومی یا شناختی (Conceptual Metaphor) است، این استعاره دستاوردی نوین است که جنبه‌های نظریه سنتی را به صورتی منسجم زیر سؤال می‌برد و ابتدا توسط جرج لیکاف (George Lakoff) و مارک جانسون (Mark Johnson) در یک مطالعه ماندگار به نام «استعاره‌هایی که باور داریم» مطرح شد. طبق نظر این دو محقق، بر اساس شواهد زبانی، بخش اعظم نظام مفهومی ما ماهیت استعاری دارد و اندیشه استعاری به عنوان یک اصل در زندگی انسان‌ها به کار می‌رود. در دیدگاه سنتی، استعاره ابزاری از صناعات ادبی است که برای زینت کلام و توصیف به کار می‌رود، اما در رویکرد معاصر، استعاره فرایندی شناختی است که بر مبنای نگاشت استعاری در دو حوزه مبدأ و مقصد نمود می‌یابد. با دیدگاه لیکاف و جانسون، دقت در ظاهر زبان برای یافتن استعاره کنار رفت و به جای آن مفاهیم ذهنی و انتزاعی بر حسب حوزه مفاهیم عینی و شناخته شده که در زبان دیده می‌شود، معیار تشخیص قرار گرفت. به گفته لیکاف و جانسون، استعاره یک فرایند اجتناب‌ناپذیر از اندیشه و استدلال انسان است که در اندیشه و زبان روزمره ساری و جاری است و سبب می‌شود فرد مفاهیم ذهنی را توسط مفاهیم عینی بهتر درک کند.

استعاره مفهومی در اصل فهم و تجربه چیزی در عبارات چیز دیگر است و بحث استعاره مفهومی چگونگی درک معانی خاص است. این استعاره از یک حوزه مبدأ، یک حوزه مقصد و یک مجموعه نگاشت میان آن‌ها تشکیل شده است. حوزه‌های مبدأ نوعاً مفاهیمی عینی، فیزیکی و کاملاً مشخص‌تر از حوزه‌های مقصد هستند در حالی که حوزه‌های مقصد نسبتاً انتزاعی و کمتر مشخص‌اند، (کووچش، ۱۳۹۶: ۳۹) این که گفته می‌شود «الف» بر حسب «ب» فهمیده می‌

بررسی تطبیقی استعاره مفهومی «ترس» در ... (ساناز تقی‌پور حاجبی و دیگران) ۹۳

شود معنی‌اش این است که یک مجموعه تناظر میان مبدأ و مقصد وجود دارد که در آن عناصر مفهومی سازنده «ب» با عناصر مفهومی سازنده «الف» متناظرند. به زبان فنی، تناظرهای مفهومی غالباً «نگاشت» (mapping) نامیده می‌شوند (همان: ۲۶).

یافته‌های لیکاف و جازسون نشان می‌دهد استعاره‌های مفهومی تک‌جهتی هستند و جهت آن‌ها از حوزه‌های عینی به حوزه‌های انتزاعی است. به این ترتیب استعاره‌های مفهومی می‌توانند در خدمت فهم مفاهیم درک‌پذیر و دشوار فهم قرار بگیرند (همان: ۵۶).

محققان بر این باورند که سرچشمه واقعی استعاره مفهومی در ادبیات و هنر است؛ به گفته آن‌ها، نبوغ نویسنده و هنرمند است که معتبرترین استعاره‌ها را خلق می‌کند (همان: ۸۵).

از آنجا که اظهار احساس در جوامع ممکن است متفاوت باشد، استعاره مفهومی بیان احساسات هم متفاوت دیده می‌شود، این فرایند استعاری فراتر از سطح زبان بلکه در سطح تفکر هم از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است، بنابراین موارد بسیاری در انواع استعاره‌های حوزه عواطف در زبان‌ها یا فرهنگ‌ها وجود دارند که مختص همان زبان یا فرهنگ هستند.

در این مقاله از عواطف و احساسات انسانی، استعاره‌های مفهومی در حوزه «ترس»، در اثر «شوهر آهو خانم» و در مواردی «بافته‌های رنج» علی محمد افغانی (۱۳۰۳) با آثار «هرگز رهایم مکن»، «هنرمندی از جهان شناور» و «غول مدفون» کازوئو ایشی گورو ((Kazuo Ishiguro))، نویسنده انگلیسی ژاپنی تبار — بررسی شده است. آثار هر دو نویسنده از نظر جامعه‌شناسی، روایتی مستقیم از زندگی مردم است و نویسندگان در توصیف حالات و رفتار آنها، عواطف و احساساتشان را با جزئی‌نگری و با دقت نوشته‌اند.

با بررسی تطبیقی و مقایسه اسم نگاشت‌های حوزه مقصد «ترس» در صدد بررسی تفاوت و شباهت‌های فرهنگی هستیم و در راستای رسیدن به این هدف سؤالات زیر مطرح شده است:

۱- مفهوم سازی «ترس» در آثار دو نویسنده چگونه صورت گرفته است؟

۲- دو نویسنده چه حوزه‌های مبدایی را برای مفهوم‌سازی ترس به کار برده‌اند؟

۳- پربسامدترین حوزه مبدأ و اسم نگاشت استعاری مورد استفاده در مفهوم‌سازی ترس کدام است؟

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. اساس کار در این پژوهش، جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بوده که با مراجعه به کتاب‌های تألیف و ترجمه شده، فیش برداری‌های لازم انجام شد.

در مرحله بعدی با تکیه بر آثار «افغانی» و «ایشی گورو» دیدگاه دو نویسنده در مورد استعاره‌های ترس با ذکر اسم نگاشت‌ها و بیان حوزه‌های مبدأ کاربردی توسط دو نویسنده مقایسه گردید.

در زمینه استعاره مفهومی در مورد آثار علی محمد افغانی و کازوو ایشی گورو پژوهش‌ها اندک است و در موضوع ترس و بررسی تطبیقی آن نیز پژوهشی انجام نشده است. این پژوهش گامی در جهت شناخت استعاره مفهومی در آثار هر دو نویسنده است و علاوه بر این، از آنجا که نگاشت‌های مختلف حوزه ترس را با تأثیر از زندگی مردم در داستان‌هایشان آورده‌اند، در جهت شناخت استعاره‌های مفهومی عواطف و احساسات مردمی و بیان تفاوت و شباهت‌های فرهنگی مفید است.

۲. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های زیادی در حوزه استعاره مفهومی انجام شده است؛ کووچش، پژوهشگری است که به اهمیت عواطف در استعاره تأکید دارد؛ مطالعه مفهوم سازی عواطف در زبان با آثار کووچش همچون استعاره‌های خشم، غرور و عشق، رویکردی واژگانی به ساختار مفاهیم (۱۹۸۶) زبان عشق، معناشناسی شور و اشتیاق در انگلیسی محاوره‌ای (۱۹۹۸) مفاهیم عاطفی (۱۹۹۰) استعاره و عواطف (۲۰۰۴) به زبان شناسی معرفی شد (افراشی، ۱۳۹۶: ۷۹-۷۹) بعد از وی، الن مقاله «استعاره و مجاز (۲۰۰۸) را در تحلیل معنی‌شناسی عواطف از منظر زبان شناسی تاریخی نوشت. فایزاک (۲۰۰۲) مقاله «تحلیل معناشناختی از واژه‌های خشم، غم، ترس در انگلیسی باستان» را نوشت.

در ایران نیز از دهه هفتاد پژوهش‌هایی در این موضوع انجام شده است؛ اولین بار قاسم زاده (۱۳۷۹) در کتاب «استعاره و شناخت» به صورت پراکنده به این موضوع پرداخت؛ زاهدی و دریکوند (۱۳۹۰) مقاله «استعاره‌های شناختی در نثر فارسی و انگلیسی» را نوشتند. پرتوی و همکاران (۱۳۹۸) مقاله «استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه» را نوشتند. کارگر و همکاران (۱۳۹۹) مقاله «نقش نور در مفهوم‌سازی عشق در غزلیات حافظ» را در نشریه پژوهش‌های بین رشته‌ای ادبی چاپ کردند. افراشی (۱۳۹۷) مقاله «الگوی انطباق‌های ریشه‌شناختی واژگان و استعاره‌های مفهومی در حوزه عواطف با رویکرد شناختی» را به نگارش درآورد.

در بررسی استعاره مفهومی «ترس» چندین پژوهش انجام شده است. مولودی و کریمی (۱۳۹۶) در مقاله «رویکرد پیکره بنیاد به استعاره بررسی کرده‌اند و به نتیجه رسیده‌اند که بخش اعظم مفهوم سازی ترس در زبان فارسی، استعاری است. افراشی و قوچانی (۱۳۹۷) در مقاله «استعاره‌های مفهومی ترس در زبان فارسی و انگلیسی: رویکردی شناختی و پیکره‌ای» که مستخرج از رساله است و رمان «شوهر آهو خانم» نیز در جامعه آماری پژوهش استفاده شده است، استعاره‌های مفهومی ترس را در دو زبان فارسی و انگلیسی با یکدیگر مقایسه نموده و برخی از جنبه‌های فرهنگی و زبان‌ویژه را در این دو زبان شرح کرده‌اند و نقاط اشتراک و اختلاف نیز بیان نموده‌اند و در این رابطه بعضی از مفاهیم حوزه‌های مبدأ مانند انسان، افعال حرکتی، حیوان و رنگ با جزئیات شرح داده‌اند.

۳. مبانی نظری تحقیق

۱,۳ استعاره مفهومی

در نظریه استعاره مفهومی، استعاره در معنای وسیع‌تر به مثابه مفهوم‌سازی یک حوزه از تجربه بر حسب حوزه دیگر تعبیر می‌شود. (کووچش، ۱۳۹۶: ۱۴) راه کوتاه برای درک این دیدگاه از استعاره به صورت زیر است:

حوزه مفهومی «الف» حوزه مفهومی «ب» است که استعاره مفهومی نامیده می‌شود (کووچش، ۱۳۹۶: ۲۰): دو حوزه‌ای که در استعاره مفهومی مشارکت دارند دارای نام‌های خاصی هستند؛ حوزه مفهومی‌ای که ما برای فهم حوزه مفهومی دیگر عبارت‌های استعاری را از آن استخراج می‌کنیم حوزه مبدأ نامیده می‌شود و حوزه مفهومی‌ای که به این ترتیب فهمیده می‌شود حوزه هدف است. (همان: ۲۱). از این رو در استعاره «ترس مرگ است» حوزه هدف «ترس» و حوزه مبدأ «مرگ» است. یک مجموعه تناظر منظم میان مبدأ و هدف وجود دارد که در آن عناصر مفهومی «ب» با عناصر مفهومی «الف» متناظرند این تناظرهای مفهومی «نگاشت» نامیده می‌شوند. (همان: ۲۶). استعاره‌های مفهومی با توجه به نقش شناختی دسته‌بندی می‌شوند؛ استعاره‌های ساختاری (Structural Metaphors)، استعاره‌های هستی‌شناختی (Ontological Metaphors) و استعاره‌های جهتی (Orientational Metaphors). این انواع استعاره غالباً در حالت‌های خاص بر هم منطبق می‌شوند. (همان: ۶۷).

استعاره‌های جهتی برپایه جهت‌های اصلی، به عنوان حوزه مبدأ شکل می‌گیرند و با مفاهیمی که نشان‌دهنده جهت و موقعیت مکانی‌اند، ارتباط می‌یابند. نقش شناختی استعاره‌های هستی‌شناختی، ایجاد یک مبنای هستی‌شناسانه جدید برای یک مفهوم است. استعاره‌های ساختاری، سخنگویان زبان را قادر می‌سازد تا با استفاده از ساختار مفهومی حوزه مبدأ در پیوند با مفاهیم حوزه مقصد، شناختی به دست آورند. (افراشی، ۱۳۹۵: ۷۸-۸۲)

در کنار این سه نوع در ادامه تحقیقات لیکاف و جانسون، استعاره تصویری توسط لیکاف و ترنر معرفی شدند (افراشی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۵). در این نوع استعاره یک تصویر با تمامی جزئیات خود بر تصویری دیگر نگاشت می‌شود که بر پایه تشبیه شکل می‌گیرد.

۲,۳ استعاره سازی مفهوم ترس

عواطف، از استعدادهای فطری و سرمایه مهم بشر است که خداوند در وجود انسان به ودیعه گذاشته است. در واقع، احساس یک سیگنال فیزیکی است که بدن به ما می‌دهد و به طور ناخودآگاه اتفاق می‌افتد؛ مثلاً اگر انسان در معرض ترس باشد ممکن است شروع به وحشت و عرق کردن کند همه این واکنش‌ها بلافاصله اتفاق خواهد افتاد. ترس، یکی از پیشرفته‌ترین احساسات آدمی است. در واقع، احساس ترس در پاسخ به تهدیداتی است که کمک می‌کند انسان از آن اجتناب کرده و خود را نجات دهد.

کووچس نیز در کتاب استعاره و عواطف بیان کرده عواطف بشری تا حد زیادی تحت تأثیر تجارب بدنمند فردی در محیط‌های مختلف فرهنگی شکل می‌گیرند. او معتقد است جنبه‌های فرهنگی عواطف، زبان استعاری عواطف و فیزیولوژی انسان در تجربه عواطف همه و همه بخشی از نظامی یکپارچه اند (Kövecses, 2000). در بافت فرهنگی و اجتماعی نیز یکی از انواع شایع اختلالات ترس، اضطراب اجتماعی است. اضطراب اجتماعی همان ترس شدید و دائم از یک موقعیت جمعی یا عملکردی است که طی آن فرد در برابر چشمان افراد عمومی واقع می‌شود و این احتمال وجود دارد که وی را مورد موشکافی قرار دهند. در چنین موقعیتی فرد می‌ترسد به گونه‌ای رفتار کند که تحقیر یا شرمنده شود (داوودی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۹).

در هر دو زبان فارسی و انگلیسی و سایر زبان‌ها مقصد ترس در تجربیات بدنمند مشترک انسان‌ها در تعامل با جهان خارج است. به این معنی که نشانه‌های فیزیولوژیکی «ترس» در همه انسان‌ها وجود دارد و بررسی آن به درک بدنمندی مفهوم کمک می‌کند. همچنین تفاوت فرهنگی نیز مشاهده می‌شود. در مطالعه‌ای که قوچانی انجام داده فارسی‌زبانان از حوزه‌های مبدأ

بررسی تطبیقی استعاره مفهومی «ترس» در ... (ساناز تقی‌پور حاجبی و دیگران) ۹۷

ماده، نیرو و حرکت بیش از سایر حوزه‌های مبدأ برای مفهوم‌سازی ترس استفاده می‌کنند و مروری بر استعاره‌های مفهومی ترس در دیگر زبان‌ها و مقایسه آن با زبان فارسی موارد فرهنگی بسیاری را روشن ساخته است (قوچانی، ۱۳۹۵: ۱۱۹).

بررسی‌ها نشان می‌دهد در آثار دو نویسنده، تفاوت فرهنگی در مفهوم ترس کمتر دیده می‌شود برای روشن شدن شباهت‌ها، ابتدا موارد استعاری با اسم نگاشت‌ها بیان می‌شود و سپس بررسی تطبیقی انجام می‌گیرد.

۴. بررسی داده‌ها

[ترس آتش است]

این استعاره با بسامد پایین یک مورد در رمان «شوهر آهو خانم» افغانی آمده است. افغانی در توصیف رفتار مردم در قبال زندگی پر بیم و اضطراب سید میران و هما از حوزه گرما و سوزاندگی آتش برای ملموس کردن حوزه ترس بهره برده است، ترس را همچون آتش معرفی کرده است که شعله‌های آن از دهان مردم بیرون می‌ریزد.

«به نظر من یک زن از روی لبه شمشیر بگذرد بهتر است تا چنان زندگی دزدکی و پر بیم و اضطرابی را بگذرانند؛ بیم و اضطرابی که شعله‌اش از حلق و دهان مردم بیکاره بر می‌خیزد» (شوهر آهو خانم، افغانی، ۱۴۹)

[ترس بیماری است]

این استعاره نیز فقط در رمان «شوهر آهو خانم» افغانی آمده است. بیماری بودن ترس گرچه ارتباط به سیستم بیولوژیک دارد، با وحشتی که در انسان ایجاد می‌شود، سیستم بدن واکنش نشان می‌دهد، مثلاً فرد احساس می‌کند که قلب به شدت می‌زند یا اندام‌ها دچار لرزش می‌شوند یا با لکنت زبان، عرق سرد، افزایش ضربان قلب همراه است اما در تفاوت فرهنگی نشان می‌دهد وجه انفعال فردی که به ترس دچار شده و بیمار می‌گردد در جامعه ما بیشتر است، در این رمان، خداشناسی و تدین سید میران، یک شاخصه فرهنگی اوست، افغانی او را شخصی دیندار معرفی کرده که مقید به رعایت آداب دینی مثل نماز و روزه و ... است، به همین دلیل از اینکه به آهو خیانتی کرده است، احساس ترس دارد.

«علاوه بر بیماری که زمین‌گیر و عاجزش کرده بود، به مرض ترس و نگرانی دائمی نیز مبتلا شده بود» (شوهر آهو خانم، افغانی: ص ۶۲)

در نمونه زیر قرآن را وسیله شفاعتی همپای حق آهو معرفی می‌کند که سبب لرزش اندام‌ها می‌شود.

«منطق و عدالت و حق که همچون کلام الله مجید در دست آهو و سیله شفاعتی شده بود، رعشه بر اندام او می‌افکند.» (همان: ۴۵۳)

[ترس دریاست]

این استعاره در آثار هر دو نویسنده آمده است، دریا به سبب ویژگی‌هایی چون وسعت و بیکرانگی، موج بودن و غرق کردن بر بنیاد استعاره هستی‌شناختی و بر مبنای استعاره تصویری، تصویر سازی شده است که گستردگی و خطرناک بودن (غرق کردن) ترس را نشان می‌دهد. افغانی موج زدن دریا را برای ترس آورده است.

«امواج ترسناک پس همان او بوده که به سوی تو آمده است» (شوهر آهو خانم، افغانی: ۴۰۶)
یشی گورو نیز، ویژگی غرق شدن را به عنوان مؤلفه‌ای از حوزه مبدأ دریا به حوزه مقصد ترس افزوده است.

«شاید هم ترسم از آنجا سرچشمه می‌گیرد که این دیوارها نجواکنان از روزهای گذشته
برایم می‌گویند» (غول مدفون، ایشی گورو: ص ۲۰۱).

«از اینکه نگاه خیره‌اش را به من بدوزد، غرق وحشت می‌شدم» (هرگز رهایم مکن، ایشی
گورو: ص ۶۵).

[ترس دشمن است]

مفهوم‌سازی این استعاره به این معنی است که نزاعی بین فرد و احساس ترس به عنوان دشمن روی می‌دهد.

«مانند کسی که درگور زنده شده باشد وحشت محاصره‌اش کرده بود. نمی‌دانست چه مدت
خوابیده است» (شوهر آهو خانم، افغانی: ص ۸۴).

«اما به اردوگاه عفريت‌ها که رسیدیم ترس بر وجودشان غلبه کرد» (غول مدفون، ایشی
گورو: ص ۱۱۷).

[ترس رکود و بی‌حرکتی است]

رکود و بی‌حرکتی به خاطر احساس ترس از یک شخصیت برتر، یک امر هولناک، شکست
یا به سرانجام کار نرسیدن، به هدف نرسیدن و ... است که با اعمالی چون ساکت شدن، قفل
شدن، خشک شدن، حرف نزدن و ... همراه است که ویژگی کلی آن رکود و بی‌حرکتی است،

کووچش نیز وجود حوزه‌های مبدأ سکوت مثل خشک شدن، قفل شدن، برای حوزه مقصد ترس ذکر کرده است و استعاره مفهومی «ترس سکوت است» را یکی از حوزه‌های پر بسامد می‌داند و معتقد است بیش از نود درصد ترس‌های افراد در ذهن آنهاست و هرگز اتفاق نمی‌افتد، افراد در ذهن خود شکست‌های بعدی را تصور می‌کنند و این سبب می‌شود که تلاش نکنند و حرکتی رو به جلو نداشته باشند. (کووچش، ۲۰۱۰)

این استعاره در آثار هر دو نویسنده آمده است و بسامد بالاتری دارد. در شوهر آهو خانم مردم از شنیدن نام سید میران و عظمتی که او داشت، می‌ترسند یا هما از شنیدن نام بیمارستان می‌ترسد در هر دو مورد، واکنش شخصیت‌ها بی‌حرکتی و رکود است که با عبارت «مو به تنشان راست می‌شد» آورده است.

«آن روزها را مگر در خواب ببینم که آسیابان در دست نانوا از موم هم نرم‌تر بود. اسم خباز باشی را که می‌شنیدند، مو به تنشان راست می‌شد» (شوهر آهو خانم، افغانی: ص ۱۴).

«هما نیز هر بار از شنیدن نام مریض خانه، موی بر بدنش راست می‌گردید» (همان: ۳۶۸).

ایشی گورو در این استعاره اغلب با عبارت «قفل شدن نگاه» نبود توانایی حرکت یا فکر کردن در اثر ترس را آورده که عبارتی فرهنگی بنیاد است و حالت شخص ترسیده را با سکون نگاه نشان می‌دهند.

«مادام بیش از آنچه ما پیش‌بینی می‌کردیم نیز کاری نکرد؛ فقط یک دم بر جا خشک شد.» (هرگز رهایم مکن، ایشی گورو: ص ۵۰)

«دوشیزه امیلی ناگهان برگشت و راست به چشمانم خیره شد در جا خشک شدم. فکر کردم به هچل افتاد» (همان: ۶۴).

«این عجیبه کاتی، نگاه نگرانش بر من قفل شد و همین نگران‌ترم کرد» (همان: ۱۷۰).

«کریسی صدایش می‌لرزید. او و رودنی به نوبت به تک تک ما نگاه کردند، بعد نگاه خیره‌شان روی روت قفل شد» (همان: ۲۰۴).

«نگاه مادام دوباره روی من قفل شد، اما احساس کردم که به بازویم خیره شده است» (همان: ۳۲۶).

«انگار از فرط ترس خشکشان زده بود و نمی‌توانستند در مقابل حرف‌های تحریک‌کننده ای که اهالی دهکده می‌زدند، عکس‌العملی نشان دهند» (غول مدفون، ایشی گورو: ص ۷۸).

«ضربه ای به او زدم تا راه بیفتد، اما عجیب است از ترس خشککش زده بود و مجبور شدم به او مهمیز محکمی بزنم تا وادار به حرکت شود» (همان: ۲۹۷).

[ترس سرماست]

این استعاره بر بنیاد مفهوم‌سازی احساس سرما که یک نشانه فیزیولوژیکی است، در هر دو فرهنگ ایرانی و انگلیسی کاربرد دارد اما عبارتهای زبانی مربوط به آن در زبان انگلیسی از تنوع بیشتری نسبت به فارسی برخوردار است که یکی از آنها می‌تواند به دلیل تنوع کلماتی باشد که برای نشان دادن سرمای ناشی از احساس ترس به کار برده می‌شود. در زبان فارسی از یخ کردن یا عرق سرد برای نشان دادن ترس استفاده می‌شود در حالی که در زبان انگلیسی علاوه بر freeze, cold, sweat که مترادف کلمات فارسی هستند از کلماتی نظیر chill, shiver, tremble هم برای نشان دادن سرمای حاصل از ترس استفاده می‌شود.

هر دو نویسنده از انجماد خون در رگ‌ها برای بیان ترس بهره برده‌اند؛ افغانی یک مورد در ترس سید میران از آبروریزی، آن را گفته است.

«سید میران که از حیرت غافلگیری و بیشتر از آن، ترس از آبروریزی، خون در رگ‌هایش منجمد گشته بود، خود به خود به طرف او جلب شد» (شوهر آهو خانم، افغانی: ص ۷۷۲).

«خون در رگ‌هایم منجمد شد و فهمیدم که بلایی که سر تو می‌آمده، بلایی بود که چند سال بود به سرش می‌آمد» (هرگز رهایم مکن، ایشی گورو: ص ۲۹).

«لرزشی که سعی داشت هر طور شده جلویش را بگیرد، هراسی حقیقی از اینکه یکی از ما ناخواسته به او تنه بزنیم» (همان: ۵۱).

«تنم یخ کرد. بعد ظرف یک یا دو ثانیه اضطرابی جدید به دلم چنگ انداخت» (همان: ۹۸)
«با همان نگاهی که همیشه به ما می‌کرد، به من زل زده بود، انگار چیزی پیش چشمانش بود که تنش را لرزانده بود. اما این بار چیزی فوق العاده در نگاهش بود که من به عمق آن راهی نداشتم» (همان: ۹۹).

«حالا من هم مثل شما نگران شدم. این شیء باعث می‌شود تنم یخ بزند و بخوام برگردم پیش زنم» (غول مدفون، ایشی گورو: ص ۲۱۱).

«نگاهش بیش از هر چیز دیگری که در آن میدان هولناک دیده بودم، خون را در رگ‌هایم منجمد کرد» (همان: ۳۰۱).

بررسی تطبیقی استعاره مفهومی «ترس» در ... (ساناز تقی پور حاجبی و دیگران) ۱۰۱

[ترس سلاح است]

یک مورد در شوهر آهو خانم آمده است که بر بنیاد استعاره تصویری، ترس به سلاح مانند شده است.

«در حالی که هدف تیر بلا واقع شده است، با پیکانی از ترس و دلواپسی در سینه به لانه خود بازگشت» (شوهر آهو خانم، افغانی: ص ۸۲).

[ترس قمار است]

انتخاب قمار در حوزه مبدأ این استعاره، در حوزه مفهومی برد یا باخت است، یک مورد در شوهر آهو خانم یافت شد که در شخصیت هما دیده می شود.

«رنگ هما مثل گچ دیوار سفید شد. حالت های نازنین او که در وضع معمولی هر مردی را از پای می افکند، در روح آن مردان ریخت برگشته ابدأ تأثیری نداشت. هما مطلقاً خود را باخت» (شوهر آهو خانم، افغانی: ص ۵۵۸).

[ترس گیاه است]

این استعاره یک مورد در رمان «غول مدفون» ایشی گورو آمده است که بر پایه تشبیه قرار گرفته است. به عقیده نویسنده، ترس مانند گیاهی تصور شده که سایه می گستراند.

«این که دیگر بیرون دروازه های روستا نمی چرخند، سایه ترس را از سرمان کم کرده بود» (غول مدفون، ایشی گورو: ص ۱۰۷).

[ترس جاندار است]

به کارگیری حوزه جاندار برای ملموس کردن مفاهیم انتزاعی مانند ترس در اغلب فرهنگ ها وجود دارد. در این قسمت برخی حیوانات نه تنها جایگزین فرد ترسو می شوند بلکه فرد ترسو را هم مانند برخی حیوانات می کنند. چنان که تشبیه به سوسک و موش در داستان شوهر آهو خانم افغانی آمده است.

«آن وقت داستان گربه می شد که می خواهند نواز شش کنند از ترسی که دارد چنگ می زند در کار خیر شتاب جایز و استخاره خطاست» (شوهر آهو خانم، افغانی: ص ۸۲).

«همین که نازپری رفت، هما مانند موش هایی که هنگام بیرون آمدن از سوراخ ترس دارند با شتاب به اتاق بزرگ چپید» (همان: ص ۲۵۹).

«ترس چنگ به گلوی آدم ها می اندازد که نکند خفت ها را عوض یکی یکی، دو تا دو تا بگیرد و کارش را ضایع کند». (بافته های رنج، افغانی: ص ۸۰).

«این بزدلی است که این آدم‌ها از قبول اشتباهات شان سرباز می‌زنند» (هنرمندی از جهان شناور، ایشی گورو: ص ۷۶).

«مطمئناً عبارت‌هایی مثل «بزرگ‌ترین بزدلی همه» شبیه گفته‌های سوئیچی بود تا میاکه جوان» (همان: ۷۷).

«در سمت چپ این پیام آمده بود: «زمانی برای گفتگوی بزدلانه نیست. ژاپن باید به جلو برود» (همان: ۲۲۴).

«در این شرایط، بدجور قاطع می‌شد و هیچ‌یک از ما حتی بچه‌های کلاس پنجم هم جرأت نمی‌کردند جیک بزند» (هرگز رهایم مکن، ایشی گورو: ص ۶۱).

[ترس رنگ است]

اطلاق رنگ بر ترس ویژگی ملموس و عینی است که به ترس به عنوان یک جسم نسبت داده می‌شود. از آنجایی که همه موجودات و اجسام رنگ خاص خود را دارند و رنگ داشتن نشانه این واقعیت است که آن چیز جسم و قابل رؤیت است، برای ترس، رنگ در نظر گرفته شده است و همین امر سبب پدید آمدن استعاراتی بر پایه آنها شده است. رنگ پریدگی، مثل گچ سفید شدن، زرد شدن، قرمز شدن از رنگ‌های پربسامدی هستند که در فرهنگ ما بازگوکننده احساس ترس هستند. سه مورد در شوهر آهو خانم یافت شد و یک مورد در ایشی گورو رنگ باختن (رنگ پریدگی از ترس) آمده است.

«اگر چه کوچه روشن بود به خوبی دیده می‌شد که رنگ پولادی چهره مرد چسان به سفیدی گراییده بود» (شوهر آهو خانم، افغانی: ص ۸۲).

«مأمورها که آمدند رنگ‌ها مثل گچ دیوار سفید شد. حالت‌های نازنین او که در وضع معمولی هر مردی را از پای می‌افکند، در روح آن مردان ریخت برگشته ابداً تأثیری نداشت» (همان: ۵۵۸).

«اینک آهو با دیدن میران، گویی عزرائیل را در آستانه در دید. رعشه سردی بر جان‌ش نشست و رنگش آشکارا به سفیدی گرایید» (همان: ۶۵۰).

«به چهره اش نگاه کردم سپید و رنگ پریده مثل موم بود، مومی که با گچ قاطی کرده اند تا شمع درست کنند یک سپیدی بی حال و مرده وار» (بافته‌های رنج، افغانی: ص ۸۳).

«رنگش سفید شده بود، مادام از ما می‌ترسید همان طوری که آدم ممکن است از عنکبوت بترسد» (هرگز رهایم مکن، ایشی گورو: ص ۵۱).

بررسی تطبیقی استعاره مفهومی «ترس» در ... (ساناز تقی پور حاجبی و دیگران) ۱۰۳

[ترس ظرف است]

از مفهوم سازی‌های رایج، استفاده از ظرف برای بیان احساسات مختلفی چون عشق، ترس، تنفر، شادی و ... است یکی از راه‌هایی که نویسندگان برای ملموس کردن پدیده انتزاعی ترس در نظر گرفته‌اند، قائل شدن ظرف و حجم برای ترس است. در این موارد، ترس مانند مایعات عمل می‌کند؛ ظرف آن، دل شخص است که احساس ترس را تجربه می‌کند.

«فحش و کتک ترس بچه را خواهد ریخت، پرده شرم و حیای او را خواهد درید» (شوهر آهو خانم، افغانی: ص ۱۷۴).

«سید میران از وحشت دلش هرّی ریخت و از جا تکان خورد چرا که بچه خردسالش مهدی در پله آخر، گردنش زیر زانویش گیر کرده بود» (همان: ۳۱۶).

«ترس و تشویش گفتن و نگفتن در دلش می‌جوشید» (همان: ۵۸۹).

«اگر دوشیزه امیلی از راه می‌رسید، قلب‌تان می‌ریخت، چون همیشه می‌فهمید که در گوشه‌ای پنهان شده‌اید پنداری حس ششم داشت» (هرگز رهایم مکن، ایشی گورو: ص ۶۲).

«دلم ریخت، چون بلافاصله متوجه شدم که قضیه مربوط به تومی است» (همان: ۱۱۸).

«دوباره احساس کردم ترس به دلم ریخت به جلو خم شدم و گفتم: «بین دیگه از این فرصتا برات پیش نمی‌آد.»» (همان: ۱۴۷)

[ترس مرگ است]

در این استعاره‌ها، مرگ بر بنیاد استعاره ساختاری برای ترس مفهوم سازی می‌شود، هرگونه استعاره‌های دیگر که مفهوم مرگ در آنها آمده است، شامل این استعاره می‌شود از جمله جان به لب رسیدن از ترس، مثل گچ سفید شدن از ترس، یخ کردن و منجمد شدن از ترس، از حرکت ایستادن قلب از ترس نمونه‌های آن است. این موارد در افغانی بسامد بالاتری نسبت به ایشی گورو دارد.

«احساس می‌کرد رنگ رخسارش به کلی پرواز کرده. بیمناک و دستخوش تشویش بود. در حالی که شتاب داشت هرچه زودتر نفس به شماره افتاده و حال عادی‌اش را بازیابد در دل خود را سرزنش می‌کرد» (شوهر آهو خانم، افغانی: ۱۹۳).

«دلهره و ترس ناگواری بر اعضاء بدنش رخنه کرده بود. مانند کسی که در عالم خواب و بیداری با آنکه صدای نفس و ضربان قلب خود را می‌شنید، مرده است، کابوس شومی سینه‌اش را می‌فشرد» (همان: ۴۲۷).

«سستی و لختی ترس‌آوری که به سر حد مرگ سکرآور و گوارا بود، بر ارکان وجودش
رخنه پیدا کرد» (همان: ۵۲۹).

«رنگ هما مثل گچ دیوار سفید شد. حالت‌های نازنین او که در وضع معمولی هر مردی را
از پای می‌افکند، در روح آن مردان ریخت برگشته ابدأ تأثیری نداشت» (همان: ۵۵۸).

«اینک آهو با دیدن میران، گویی عزرائیل را در آستانه در ظاهر دید. رعشه سردی بر جان‌ش
نشست و رنگش آشکارا به سفیدی گرایید» (همان: ۶۵۰)

«به چهره‌اش نگاه کردم سپید و رنگ پریده مثل موم بود، مومی که با گچ قاطی کرده اند تا
شمع درست کنند یک سفیدی بی‌حال و مرده‌وار» (همان: ۸۳).

در آثار ایشی گورو سه نمونه دیده می‌شود.

«تنم یخ کرد. بعد ظرف یک یا دو ثانیه اضطرابی جدید به دلم چنگ انداخت» (هرگز رهایم
مکن، ایشی گورو: ۹۸).

«باید بگویم حالا من هم مثل شما نگرانم، این ترس باعث می‌شود تنم یخ بزند و بخواهم
پیش زخم برگردم» (غول مدفون، ایشی گورو: ص ۲۱۱).

«در راهروی پریچ و خمی بودند و داشتند با سرهای خمیده و نفس‌های به شماره افتاده
در آن راه می‌رفتند» (همان: ۲۵۷)

۵. تحلیل داده‌ها و بررسی تطبیقی

پژوهش حاضر با هدف دستیابی به الگوی شناختی مفهوم سازی ترس در آثار افغانی و ایشی
گورو انجام گرفت. پس از استخراج و شمردن نمونه‌ها، در مجموع ۵۴ نمونه در قالب ۱۳ اسم
نگاشت مشاهده گردید، در مفهوم‌سازی حوزه ترس، مبداهای آتش، بیماری، سلاح و قمار فقط
مختص آثار افغانی بود. در مقابل مبدأ گیاه در آثار ایشی گورو ذکر شده ولی در آثار افغانی
یافت نشد. که این تفاوت جزئی است اما تشابه در بسامد بالایی در مبداهای جاندار، بنیاد، رنگ
بنیاد، دریا، دشمن، رکود و بی‌حرکتی، سرما، مرگ و ماده درون ظرف دیده می‌شود.

در جدول زیر فراوانی استعاره‌ها براساس حوزه مبدأ آمده است

جدول شماره ۱: فراوانی استعاره در حوزه مبدأ

انسان انگاری (جاندار بنیاد)	ترس دشمن است.
جانور انگاری (جاندار بنیاد)	ترس جاندار است.
طبیعت انگاری (ساختار بنیاد)	ترس دریاست / ترس گیاه است / ترس آتش است.
انتزاعی، سیال انگاری (ذهن بنیاد)	ترس مرگ است / ترس سرماست / ترس بیماری است / ترس قمار (بازی) است / ترس رکود و بی حرکتی است.
جسم انگاری	ترس ماده درون ظرف است / ترس رنگ است / ترس سلاح است.

در جدول زیر تطبیق کاربردی ۱۳ اسم نگاشت از دو نویسنده نشان داده شده است و بیانگر آن است که از مجموعه ۵۴ مورد استخراج شده، ۲۶ مورد استعاره مفهومی ترس در آثار افغانی و ۲۸ مورد در آثار ایشی گورو دیده می شود این امر به جهت وجه اشتراک دو نویسنده ایرانی و انگلیسی در بهره گیری از تجربیات یکسان در بیان مفهوم انتزاعی ترس است. با توجه به آمار هر کدام از میان اسم نگاشت‌ها، توجه افغانی به کاربرد اسم نگاشت «ترس جاندار است»، «ترس رنگ است»، «ترس ماده درون ظرف است» و «ترس مرگ است» بیشتر از دیگر اسم نگاشت‌هاست اما ایشی گورو به اسم نگاشت «ترس جاندار است»، «ترس رکود و بی حرکتی است» و «ترس سرما است» بیشتر از اسم نگاشت‌های دیگر توجه دارد.

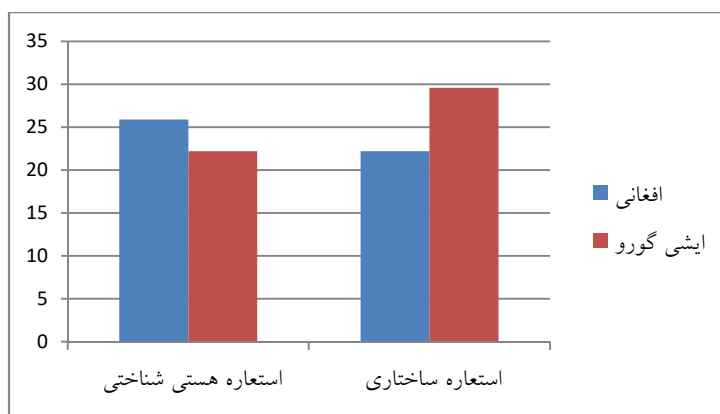
اسم نگاشت‌های «ترس دشمن است»، و «ترس ماده درون ظرف است» وجه تشابه اصلی آنهاست که به ترتیب در آثار هر دو نویسنده اولی ۱ مورد و دومی ۳ مورد آمده است اما تفاوت در اسم نگاشت‌های «ترس آتش است»، «ترس بیماری است»، «ترس سلاح است»، «ترس قمار است» و «ترس گیاه است» دیده می شود که چهار مورد اول فقط در آثار افغانی یافت شد و مورد پنجم «ترس گیاه است» فقط یک مورد در آثار ایشی گورو آمده است.

جدول شماره ۲: فراوانی اسم نگاشت‌ها در آثار دو نویسنده

ردیف	اسم نگاشت	آثار افغانی	آثار ایشی گورو
۱	ترس آتش است	۱ مورد	-
۲	ترس بیماری است	۲ مورد	-
۳	ترس دریا است	۱ مورد	۲ مورد
۴	ترس رکود و بی حرکتی است	۲ مورد	۷ مورد
۵	ترس سرما است	۱ مورد	۶ مورد
۶	ترس سلاح است	۱ مورد	-

ردیف	اسم نگاشت	آثار افغانی	آثار ایشی گورو
۷	ترس قمار است	۱ مورد	-
۸	ترس گیاه است	-	۱ مورد
۹	ترس جاندار است	۳ مورد	۴ مورد
۱۰	ترس رنگ است	۴ مورد	۱ مورد
۱۱	ترس ظرف است	۳ مورد	۳ مورد
۱۲	ترس مرگ است	۶ مورد	۳ مورد
۱۳	ترس دشمن است	۱ مورد	۱ مورد

بررسی آثار هر دو نویسنده نشان دهنده شباهت در انواع استعاره نیز می باشد. استعاره جهتی در مقصد ترس یافت نشد اما ۸ مورد اسم نگاشت‌ها با مبداهای آتش، دریا، دشمن، سلاح، گیاه، جاندار، رنگ و ماده درون ظرف جزو استعاره‌های هستی شناختی آمده و ۵ مورد با مبداهای بیماری، رکود و بی‌حرکتی، سرما، قمار و مرگ استعاره ساختاری هستند. استعاره هستی شناختی در آثار افغانی با تعداد ۱۴ مورد و درصد ۲۵/۹۲ و در آثار ایشی گورو با تعداد ۱۲ مورد و درصد ۲۲/۲۲ آمده است، استعاره ساختاری نیز در آثار افغانی با ۱۲ مورد استعاری و درصد ۲۲/۲۲ و در آثار ایشی گورو با تعداد ۱۶ مورد و درصد ۲۹/۶۲ آمده است. نمودار زیر نشان دهنده درصد فراوانی انواع استعاره است.



۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی و تطبیق استعاره مفهومی ترس در آثار افغانی و ایشی گورو انجام گرفت. پس از استخراج نمونه‌ها در مجموع ۵۴ نمونه در قالب ۱۳ اسم نگاشت برای

بررسی تطبیقی استعاره مفهومی «ترس» در ... (ساناز تقی پور حاجبی و دیگران) ۱۰۷

بررسی انتخاب شد، نتایجی که از این بررسی حاصل شد، تشابه کلی در کاربرد انواع استعاره را نشان داد در حالی که تفاوت میان آن‌ها در کاربرد مبدأ و اسم نگاشت بسیار اندک بود. در فرآیند استعاره‌سازی، مبدأ آتش، بیماری، سلاح، قمار فقط در آثار افغانی یافت شد در مقابل مبدأ گیاه فقط در آثار ایشی گورو دیده شد. اما تشابه در بسامد بالایی در مبدأهای جاندارینباد، رنگ بنیاد، دشمن انگاری، دریا، رکود و بی‌حرکتی، سرما، مرگ و ماده درون ظرف دیده شد. از تعداد ۵۴ مورد استخراج شده، ۲۶ مورد استعاره مفهومی مقصد ترس در آثار افغانی و ۲۸ مورد در آثار ایشی گورو آمده است که در نگاه کلی، نمایانگر یکسان بودن توجه دو نویسنده به این استعاره است. با توجه به آمار هر کدام از میان اسم نگاشت‌ها، توجه افغانی به کاربرد اسم نگاشت «ترس جاندار است»، «ترس رنگ است»، «ترس ماده درون ظرف است» و «ترس مرگ است» بیشتر از دیگر اسم نگاشت‌هاست اما ایشی گورو به اسم نگاشت «ترس رکود و بی‌حرکتی است»، «ترس جاندار است» و «ترس سرما است» بیشتر از اسم نگاشت‌های دیگر توجه دارد. اسم نگاشت «ترس دشمن است» و «ترس ماده درون ظرف است» وجه تشابه اصلی آنهاست که در آثار هر دو نویسنده به ترتیب با بسامد ۱ مورد و ۳ مورد آمده است. اما تفاوت در اسم نگاشت‌های «ترس آتش است»، «ترس بیماری است»، «ترس سلاح است»، «ترس قمار است» و «ترس گیاه است» دیده می‌شود که چهار مورد اول در آثار افغانی یافت شد و در آثار ایشی گورو مشاهده نگردید و مورد پنجم در آثار ایشی گورو آمده ولی در آثار افغانی مشاهده نشد. شباهت اصلی هر دو در کاربرد انواع استعاره است که با تفاوت جزئی، وجود شباهت را تأیید کرده است. استعاره هستی شناختی در آثار افغانی با تعداد ۱۴ مورد و درصد ۲۵/۹۲ و در آثار ایشی گورو با تعداد ۱۲ مورد و درصد ۲۲/۲۲ آمده است، استعاره ساختاری نیز در آثار افغانی با ۱۲ مورد استعاری و درصد ۲۲/۲۲ و در آثار ایشی گورو با تعداد ۱۶ مورد و درصد ۲۹/۶۲ آمده است.

کتاب‌نامه

آنتونی جی ان جاج، داوری اردکانی، رضا، نیلی پور، رضا و قائمی نیا، (۱۳۹۱)، «زبان استعاری و استعاره‌های مفهومی»، تهران: هرمس.

افراشی، آزیتا (۱۳۹۵)، «مبانی معناشناسی شناختی»، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
افراشی، آزیتا، عاصی، سید مصطفی، جولایی، کامیار (۱۳۹۵). «استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی؛ تحلیلی شناختی و پیکره‌مدار» زبان‌شناخت، ش ۱۲: ۳۹-۶۱.

۱۰۸ پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال ۴، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

- افراشی، آزیتا (۱۳۹۷). «الگوی انطباق‌های ریشه‌شناختی واژگان و استعاره‌های مفهومی در حوزه عواطف با رویکرد شناختی». زبان و زبان‌شناسی، ش ۲۶: ۶۹ - ۸۸
- افراشی، آزیتا، قوچانی، بیتا (۱۳۹۷). «استعاره‌های مفهومی ترس در زبان فارسی و انگلیسی: رویکردی شناختی و پیکره‌ای». هنر زبان، ش ۲: ۴۵ - ۶۰.
- افغانی، علی محمد (۱۳۴۴)، «شوهر آهو خانم»، تهران: امیرکبیر.
- همان (۱۳۶۱)، «بافته‌های رنج»، تهران: امیرکبیر.
- ایشی‌گورو، کازوئو (۱۳۹۴)، «غول مدفون»، ترجمه آرزو ارحمی، تهران: روزنه.
- همان (۱۳۹۵)، «هرگز رهایم مکن»، ترجمه سهیل سمی، تهران: ققنوس.
- همان (۱۳۹۶)، «هنرمندی از جهان شناور»، ترجمه یاسین محمدی، تهران: افراز.
- پرتوی، آنایه‌تیا، سعادت‌نی، سهیل، حاجی‌پور، نادیا (۱۳۹۸). «استعاره مفهومی غم در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه». پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، دوره ۱، شماره ۱، ص ۱۶-۳۶.
- زاهدی، کیوان، دریکوند، عصمت (۱۳۹۰). «استعاره‌های شناختی در نثر فارسی و انگلیسی»، نقد زبان و ادبیات خارجی، دوره ۳، شماره ۲، شماره پیاپی ۲.
- کارگر، شهرام، زارع، میثم، شعبانی، بهرام (۱۳۹۸). «نقش نور در مفهوم سازی عشق در غزلیات حافظ». پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، دوره ۲، شماره ۳، ۲۱۲-۲۳۴.
- کووچش، زولتان (۱۳۹۶)، «استعاره مقدمه‌ای کاربردی»، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، تهران: آگاه.
- همان (۱۳۹۶)، «استعاره‌ها از کجا می‌آیند»، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، تهران: آگاه.
- قاسم‌زاده، حبیب‌الله (۱۳۷۹)، «استعاره و شناخت»، تهران: فرهنگان.
- قوچانی، بیتا (۱۳۹۵). «بررسی استعاره مفهومی ترس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پژوهشکده زبان‌شناسی.
- مولودی، امیر سعید و غلامحسین کریمی دوستان (۱۳۹۶). «رویکرد پیکره بنیاد به استعاره‌های شناختی در زبان فارسی: مطالعه موردی حوزه مقصد ترس»، نشریه هنر زبان، شماره ۴.

References

- Allen, K(2008). Metaphor and Metonymy: A diachronic approach, UK: wiley-Blackwell, philsoc society.
- Fabizsak, M.(2002) 'A semantic Analysis of Fear, Grief and Anger words in old English', A changing world of words Lexico and Semantics. G. Diaz Vera(Ed) , Amsterdam-Newyork: Rodo, 255-274.
- Kövecses, Z. (2000). Metaphor and Emotion: Language, Culture and Body in Human Feeling. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kövecses, Z. (2002). Metaphor: A practical introduction. Oxford: Oxford University Press.

- Lakoff, G. and M. Johnson. 2003. *Metaphors We live by*. Language, Thought and Culture. Chicago: Chicago University Press.
- Afrashi, A. (2016). *Introducing cognitive semantics*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Afrashi, A., & Assi, M., & Joulaei, K. (2016). 'Conceptual metaphors in Persian language: A cognitive and corpus-based analyzed', *Cognitive language*, 12, 39-61.
- Afrashi, A. (2018). 'Correlation between Conceptual Metaphors and Etymological patterns of Emotion Concepts with a Cognitive Semantics Approach', *Language and Linguistics*, 26, 69-88.
- Afrashi, A., & Ghouhani, B. (2018). 'Conceptual Metaphor of Fear in Persian and English: A cognitive and corpus-based Approach', *Language Art*, 2, 45-60.
- Afghani, A. (1965). *Shohare Ahw Khanoom*. Tehran: Amir kabir
- Afghani, A. (1982). *Baftehayeh Ranj*. Tehran: Amir kabir.
- Allen, K. (2008). *Metaphor and Metonymy: A diachronic approach*, UK: Wiley-Blackwell, philsoc society.
- Fabiszak, M. (2002). 'A semantic Analysis of Fear, Grief and Anger words in old English', *A changing world of words Lexico and Semantics*. G. Diaz Vera (Ed), Amsterdam-Newyork: Rodot, 255-274.
- Ishiguro, K. (2015). *The Buried Giant*. Translated by Arezoo Ahmi, Tehran: Rozaneh.
- Ishiguro, K. (2016). *Never Let Me Go*. Translated by Sohail Sommi, Tehran: Gognoos.
- Ishiguro, K. (2017). *An Artist of the Floating World*. Translated by Yassin Mohammadi, Tehran: Afraz.
- Jay N Judge, A., Davari Ardakani, R., Nilipour, R., & Ghaemina, R. (2012). *Metaphorical Language And Conceptual Metaphor*, Tehran: Hermes.
- Partovi, A., Saadatinia, S., & Hajipour, N. (2019). 'Conceptual Metaphor of Grief in two Types of Poetry, Elegy and Imprisonment', *InterDisciplinary Literary Research*, 1 (1), 16-36.
- Zahedi, K., & Derikvand, E. (2011). 'Cognitive Metaphors in Persian and English Prose', *Critical Language & Literary Studies*, 3 (2).
- Kargar, SH., Zare, S., & Shaabani, B. (2019). "The Role of Light in Conceptualizing Love in Hafez Lyric Poems", *InterDisciplinary Literary Research*, 2 (3), 212-234.
- Kövecses, Z. (2000). *Metaphor and Emotion: Language, Culture and Body in Human Feeling*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kövecses, Z. (2002). *Metaphor: A practical introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- Kovecses, Z. (2017). *Metaphor: A practical Introduction*, Translated by Jahanshah Mirza Baigi, Tehran: Agah
- Kovecses, Z. (2017). *Where Metaphors Come From*, Translated by Jahanshah Mirza Baigi, Tehran: Agah.

Lakoff, G. and M. Johnson. 2003. *Metaphors We live by*. Language. Thought and Culture. Chicago: Chicago University Press.

Qasimzadeh, H. (2000). *Metaphor and Cognition*, Tehran: Farhangan.

Ghouchani, B. (2016). *Study Conceptual Metaphor of Fear*, Master Thesis, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies, Linguistic Research Institute,

Moloudi, A., & Karimi Doostan, GH. (2017). A Corpus-based Approach to Cognitive Metaphors in Persian: The Study of Fear Target Domain, *Language Art*, 4.